

پدرسالار

قدرت طبیعی شاهان

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

رابط فیلمر
علی اردستانی

فهرست مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۳	درباره‌ی رابرت فیلمر
۱۷	مقدمه
۱۷	زندگی‌نامه
۳۰	استدلال فیلمر
۴۲	پدرسالارگرایی در تفکر سده‌ی هفدهم: فیلمر و هم‌عصرانش
۵۷	بازنشر آثار فیلمر: فیلمر، لاک و لیبرالیسم
۷۹	پدرسالار یا قدرت طبیعی شاهان
۸۱	فصل اول: این‌که نخستین شاهان پدران خانواده‌ها بودند
۹۷	فصل دوم: برای مردم حکمرانی یا انتخاب حاکمان غیر طبیعی است
۱۲۷	فصل سوم: قوانین موضوعه قدرت طبیعی یا پدران‌ه‌ی شاهان را نقض نمی‌کنند
۱۶۳	نمایه

یادداشت مترجم

از حیث آسیب‌شناختی، شاید مهم‌ترین آسیب مبتلا به علم سیاست در ایران عدم دسترسی شاغلان این رشته به آثار و منابع دست اول است که طی صدها سال به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند. این بدان معناست که خیل هواداران علم سیاست در ایران از جدال‌های نظری و فکری صورت‌گرفته در مسیر تکاملی این حوزه - به ویژه بخش‌های مربوط به شکل‌گیری حقوق اساسی مدرن - بی‌اطلاع و ناآگاه هستند. طبیعی است دانشجویی که به زیر و بم این «جدال» آشنا نباشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند چستی و چرایی تشکیل علم سیاست را، چه در «عهد قدیم» و چه در «عهد جدید»، به خوبی دریابد و از این منظر به تامل و تفکر بپردازد. مهم‌ترین پیامد این عدم درک درست از چستی و چرایی علم سیاست به «توهم دانستن» مربوط می‌شود؛ بدین معنا که شاغلان این رشته به صرف اخذ مدرک از دانشگاه - فرق نمی‌کند از کجا باشد - و یا خواندن چند کتاب مقدماتی که عمدتاً نیز جنبه دانشنامه‌ای دارد، احساس می‌کنند ارسطو یا ماکیاوولی زمان خود شده‌اند و بنابراین، به خود حق می‌دهند در هر حوزه‌ای از علم سیاست اظهار لحنیه کنند. نگاهی اجمالی به شاغلان این علم - اعم از استاد، دانشجو، تحلیل‌گران رسانه‌های گروهی و جز آن - موید همین دیدگاه است. زمانی این موضوع ابعاد فاجعه‌آمیزتری به خود می‌گیرد که این شاغلان - به ویژه استادان دانشگاه - چنان دچار توهم دانستن می‌شوند که کتاب‌های بی‌مایه، دست‌چندم و از رده خارج را - اعم از تالیفی یا ترجمه - به جای متون اصلی به ضرب «مرجعیت» استادی به خورد دانشجویان می‌دهند. این امر موجب شده تا امروزه دانشکده‌ها و گروه‌های علم سیاست

به ابتذال و روزمرگی دچار شوند. صرف نظر از چند استثناء^۱، تقریباً هیچ‌یک از گروه‌های موجود علوم سیاسی در ایران کارکردی مثبت و مترقی ایفا نمی‌کند.

این‌که چرا شاغلان علم سیاست به چنین ابتذالی دچار شده‌اند و تلاشی راستین در جهت ترویج آموزه‌های بنیادین علم سیاست انجام نمی‌دهند، موضوعی است که بررسی آن ورای این یادداشت کوتاه قرار می‌گیرد. با این حال، تا جایی که به بحث ما مربوط می‌شود، به دو موضوع باید توجه داشت: نخست، سختی و دشواری درک این متون؛ و دوم، فقدان انتفاع و سودمندی ترجمه‌ی این متون. وقتی استادان یک رشته با نگارش چند مقاله‌ی بی‌محتوا و عاری از هرگونه نوآوری و خلاقیت در زمانی کوتاه به راحتی می‌توانند از تمام امتیازات مادی و معنوی موجود استفاده کنند، عقل سلیم ایجاب می‌کند که خود را درگیر کارهایی نکنند که هم زمان‌براست و هم از قبیل آن انتفاع‌چندانی حاصل نمی‌شود.

تالی فاسد این موضوع آن است که بعد از مدتی ما با نسلی از شاغلان علم سیاست – اعم از استاد و دانشجو – روبه‌رو می‌شویم که نه یک زبان خارجی را به خوبی می‌داند و نه زبان فارسی را. فاجعه زمانی خود را نشان می‌دهد که برحسب تصادف فردی بخواهد به این مهم دست یازد. به‌زودی سطح زبان‌دانی و فرهنگ‌دانی ما خود را نشان خواهد داد. در چنین حالتی او یا باید مانند بسیاری از مترجمان فقرات سخت و دشوار را نادیده گیرد و ترجمه نکند و یا در صورت تعهد درونی باید صبر و حوصله به خرج دهد و با رجوع به افراد متخصص مختلف معنای فقرات دشوار را دریابد. این در صورتی است که چنین افرادی وجود داشته باشند و بخواهند به او کمک کنند. در بیشتر مواقع، چنین افرادی وجود ندارند و در صورت وجود نیز نمی‌توانند کمک چندانی کنند.

ترجمه‌ی کتاب حاضر مصداق چنین امری است. نگارنده زمانی که تصمیم به ترجمه‌ی آن گرفت، هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد در ترجمه‌ی برخی فقرات با چنین مشکلات عظیمی روبه‌رو شود که کسی نتواند به او کمک کند. کتاب حاضر با وجود آن‌که از حجم ناچیزی برخوردار است، اما زبان و ادبیات مخصوص به خود را دارد که درک آن نیازمند صبر و شکیبایی فراوانی است. وجود زبان نامانوس که عمدتاً آمیخته به مفاهیم الاهیاتی است، قطعات پیچیده و اصطلاحاتی که طی زمان معنایشان تغییر کرده، و تدوین کتاب در زمانه‌ای پرآشوب و بحرانی که نویسنده را به موجزگویی واداشته است، از جمله

مهم‌ترین مشکلات کتاب حاضر است. البته، می‌توان خاطرنشان ساخت که این امر در مورد سایر متفکران این دوره هم صدق می‌کند و چنان‌چه کسی بخواهد آثار نیکولو ماکیاوولی، ژان بَدن، تامس هابز و جان لاک را هم ترجمه کند با چنین مشکلاتی روبه‌رو خواهد بود. این ایراد درست است، اما باید توجه داشت که طی یک‌صد سال گذشته کم و بیش در مورد هریک از این متفکران بحث شده است و ما با ادبیاتی بالنسبه غنی در مورد آنان مواجه هستیم. این در حالی است که در مورد سِر رابرت فیلمر فاقد چنین ادبیاتی هستیم و فقط در اینجا و آنجا موجزوار چیزهایی کلی و مقدماتی گفته شده است. در واقع، کتاب حاضر نخستین اثر مستقل از سِر رابرت فیلمر است که به فارسی ترجمه می‌شود و راقم این سطور به خوبی می‌داند که ممکن است در فقرات مختلف کتاب اشتباهاتی صورت گرفته باشد که از دیده‌ی اهل فن به دور نخواهد ماند. نگارنده امیدوار است با نقادی‌های خوانندگان اهل در چاپ‌های بعدی متن منقح‌تری آماده شود.^۲

در راستای همین فقدان آشنایی خوانندگان فارسی‌زبان با رابرت فیلمر و فیلمرگرایی در غرب، تلاش شد تا از نوشتارهای دو تن از متخصصان «عهد جدید» که به طور مشخص به فیلمر پرداخته‌اند، بهره گرفته شود. این دو نوشتار که یکی کوتاه است و دیگری بلند و طولانی، تقریباً به تمام زوایای زندگی فیلمر پرداخته‌اند و بحثی را مغفول نگذاشته‌اند. نوشتار کوتاه نخست که از آن جیمز کوک است، با این هدف ترجمه شده است که خوانندگانی که حوصله و فرصت خواندن متون طولانی را ندارند، بتوانند آگاهی مختصری از این متفکر به دست آورند. با این حال، برای فهمی جامع و کامل از فیلمر و فیلمرگرایی خواندن نوشتار پیتربلسلت^۳ ضروری است.

موضوع مهمی که در اینجا باید به آن توجه داشت متن اصلی پدرسالار است. چنان‌که می‌دانیم، از متن پدرسالار نسخه‌های متعددی وجود دارد که تا حدی با هم تفاوت دارند. نگارنده دو نسخه‌ی جیمز کوک و پیتربلسلت را در اختیار دارد که به‌ویژه در عنوان‌بندی و ترتیب برخی قطعات با هم اختلاف دارند. به منظور حل این موضوع، متن منتشرشده در ۱۶۸۰ به عنوان متن پایه مبنای ترجمه قرار گرفت که به نسخه‌ی جیمز کوک کاملاً شبیه است و به نسخه‌ی لسلت صرفاً در برخی فقرات رجوع شده است. نسخه‌ی لسلت چنان‌که خودش توضیح می‌دهد، متعلق به اوایل سده‌ی بیستم است که در نزد بازماندگان فیلمر یافت شده است. این نسخه عناوین فرعی زیادی دارد که به نظر